

مذهب شیعه و ایرانیان

شیخ محمد جواد مغنیه یکی از دانشمندان و نویسندگان بزرگ لبنان و رئیس محکمه شرعی شیعیان آن کشور است و بی‌مطالعات عمیق خود در تاریخ اسلام و بررسی‌های دقیق در فقه و احکام اسلامی و کتب اخبار شیعه و سنی، توانسته است آثار ذیقیمت و بسیار سودمندی از خود بیادگار بگذارد.

بیشتر کتابهای این دانشمند مدافع‌العقیده شیعه، در پیرامون عزیت طرز تفکر شیعه و شایستگی ائمه اطهار برای زمامداری و خلافت اسلامی تألیف و تصنیف شده، و در هر مورد هم توانسته است بخوبی از عهده اثبات مطلب و نیل به هدف برآید. کتاب «الشیعة والتشیع» یکی از تألیفات ارجدار اوست، که معالیه زیر ترجمه و اقتباس از یک بخش آنست.

وی در آن کتاب، در خصوص اثبات اینکه ایرانیان بار و شنبینی و طرفداری از حق و عدالت مذهب شیعه را پذیرفتند، و بعکس بنیاد بدخواهان شیعه، هیچ‌عامل سیاسی، و تحریک حس ملی در آن دخالت نداشته است، داد سخن داده که عمده آن ذیلا از لحاظ خوانندگان محترم بگذرد:

* * *

نسبت‌های دروغ و تهمت‌های ناروا

دکتر طه حسین دانشمند معاصر و نویسنده معروف مصری در کتاب «علی و فرزندان» مینویسد: مخالفین شیعه دانسته و ندانسته چیزهایی را بطائفه شیعه نسبت داده‌اند؛ که دامن شیعیان از آنها پراسته است. وی این موضوع را در کتاب «میز بور بنما» تکرار کرده است. از جمله در صفحه ۱۸۷ مینویسد: (۱)

(۱) کتاب دکتر طه حسین عربی است بنام «علی و بنوه» و ترجمه آن بقلم محمد علی خلیلی منتشر شده است. در اینجا از اسل کتاب ترجمه میشود.

مخالفین شیعه باین قناعت نکرده‌اند که نسبت‌های ناروایی بآنها بدهند، بلکه تمام آن اتهامات را بخود علی (ع) و اصحاب آن حضرت - که پیشوایان شیعه بوده‌اند - نسبت داده‌اند؛ و در صفحه ۱۸۹ کتاب «میز بور مینویسد: دشمنان شیعه، همیشه در اندیشه‌ها به جوئی و خورده - گیری از آنها بوده‌اند، و تمام گفتار و کردار طبقات مختلف شیعه را بحساب آورده و سپس پراپه‌هایی بر آن بستند و همینها باعث شده که نسبت‌های شگفت‌آوری را بآنها بدهند. آنگاه با گذشت زمان این سخنان و تهمتها بنام معایب و مفاسد عقاید شیعه، در کتابها آمده و موجب اشکالات بسیاری شده است.

هرچه از زمان نقل حدیث گذشته است، این نسبت‌ها و اشکالات تولید کشمکشها نموده و رفته رفته از خواص مردم تجاوز نموده بعوام آنها رسیده است، و از آنها که اهل تشخیص هستند و در از خرمه و جدامی کنند، هم گذشته و بدست صرافان گوهر ناشناس افتاده است.

در نتیجه کار بجائی رسیده که افق واقعیت، بی نهایت تاریک و مبهم شده و صبح نورانی سعادت ملت اسلام، در یک آشوب اسرار آمیزی فرو رفته است؛ بطوریکه جز عده قلیلی، کسی نمیتواند بحقیقت امر برسد!

افسانه عبدالله بن سبا

و نیز دکتر طه حسین در صفحه ۹۸ - ۹۹ کتاب «علی و فرزندان» مینویسد: «عبدالله ابن سبا که دشمنان شیعه او را موجد مذهب شیعه میدانند، مردی افسانه‌ای و ساختگی است. در ایامی که میان شیعه و سایر مذاهب اسلامی کشمکش در گرفته بود، افسانه ابن سبا ساخته شده است.

دشمنان شیعه خواسته‌اند پای یکنفر یهودی را که مجسمه حیل و تیرنگه است، در اصول معتقدات شیعه، بیجان بکشند؛ عبدالله بن سبا یک فردی است، که مخالفین شیعه آنرا فقط بخاطر مبارزه با شیعه ساخته‌اند، و حتی چنین کسی را برای خوارج نساخته‌اند!

اینها موضوعاتی است که دستاویز مخالفین شیعه شده و در طول تاریخ باعث کشمکشها و اختلافات شده و امروز هم دست بردار نیستند. کشمکشهایی که از عدم اطلاع و واقع بینی و غرض سرچشمه گرفته است. خلاصه مخالفین شیعه افرادی را برای شیعه تراشیده‌اند که اصلا وجود خارجی نداشته‌اند.

بهر حال مخالفین شیعه، بمنظور ایجاد آشوب و گمراه ساختن مردم، دروغها و تهمت‌های عجیب بآنها زده‌اند. تمام آنها را دکتر طه حسین جمع آوری نموده و هفتکام

تجزیه و تحلیل حوادث تاریخی، بی طرفانه برای روشن ساختن واقعیت و حقیقت بر ملا ساخته است

آمادگی ایرانی برای پذیرش تشیع

اکنون قسمت دیگری از این دروغها را که برنگ دیگری، بمنظور جدا ساختن شیعه از سایر طوائف مسلمین، ساخته اند، برای اطلاع خوانندگان میآوریم:

این دروغ ناروا و نسبت بی اساس اینست که مخالفین شیعه پنداشته اند، تشیع دین مستغنی است که ایرانیان بواسطه دشمنی با عرب که بایران حمله برد و آنرا فتح کرد، درست کردند. به پندار اینان، ایرانیان برای اینکه انتقام خود را از حمله عرب بگیرند، مذهب شیعه را بوجود آوردند تا در زیر ماسک آن علیه عرب و مذهب تسنن فعالیت کنند، و شکست خود را در فتح ایران جبران کنند!

دانشمند بزرگوار مرحوم سید محسن امین عاملی در جلد اول کتاب بزرگ «اعیان الشیعه» و شیخ محمد حسین مظفر در کتاب «تاریخ شیعه» و بسیاری از خاورشناسان مانند فلهووزن در کتاب «خوارج و شیعه» و آدم متز در کتاب «تمدن اسلام در قرن چهارم هجری» و گلدتسهر (۱) در کتاب «عقیده و دین» و غیر اینان، با ادله و ارقام، این پندار واهی را مردود دانسته و بان پاسخ داده اند.

خلاصه آنچه اینان در رد این تهمت های بی اساس، و پندار واهی گفته اند بدین قرار است: ۱- مادر همین کتاب «الشیعه و التشیع»، ثابت نمودیم که پیغمبر اکرم (ص) با تبعین امیر مؤمنان علی علیه السلام بجا نشینی خود، و زعامت داری مسلمانان و ارجاع امت اسلام با آنحضرت و دستور پیروی از وی، شخصاً بذرتشیع را گذاشت.

ما این معنی را با نقل شواهد بسیاری از کتاب و سنت یعنی آیات قرآنی و اخبار نبوی از مدارک سنی و شیعه اثبات کردیم، و بسیاری از سخاوته و یاران بزرگ پیغمبر (ص) را نام بردیم که اعتراف با انتساب علی (ع) از جانب پیغمبر بخلافت بلا فصل آنحضرت نموده اند.

بزرگان اهل تسنن همه ایرانی بوده اند!

در جلد اول اعیان الشیعه صفحه ۴ مینویسد: ایرانیانی که از روز نخست دین مقدس اسلام را پذیرفتند، جز عده قلیلی که شیعه شدند؛ بقیه همه از اهل تسنن بودند.

غالب علمای اهل تسنن و بزرگان آنها ایرانی هستند و از ایران برخاسته اند. مانند ابن ماجه قزوینی، محمد بن اسمعیل بخاری، ترمذی، نسائی، (سه تن از مؤلفین صحاح

(۱) اسامی خاور شناسان از ضبط عربی گرفته شده، ممکن است با ضبط اصلی آن

فرق کند.

شکافه اهل سنت که معتبرترین کتب حدیث آنهاست) فخر رازی، بیضاوی، فیروز آبادی، مؤلف قاموس اللغه، زمخشری مؤلف تفسیر کشاف، حاکم نیشابوری، بیهقی، عبدالقادر گرگانی، راغب اصفهانی؛ خطیب تبریزی و غیر اینان (۱) که از شماره بیرونند.

ایرانیانی که بمذهب شیعه گرویدند، مانند شیعیان ملتهای عرب و ترک و روم بودند، که جز علاقمندی با اسلام و محبت اهلبیت پیغمبر (ص) عامل دیگری نداشته است. از اینرو اسلام و تشیع آنها از روی کمال میل و عقیده قلبی بوده است.

اگر این پندار درست باشد که بگویند: ایرانیان بخاطر دشمنی با اسلام شیعه شدند، این پندار هم صحیح خواهد بود که گفته شود: آنها که ایرانی نبودند و سنی شدند، بواسطه دشمنی با اسلام بوده است (در صورتیکه هر دو پندار واهی است).

حقیقت اینست که بعضی از ایرانیان بهمان علتهای تشیع گرویدند، که غیر ایرانی شیعه شدند، و بعضی دیگر بعلتهای سنی شدند که سایر ملتها پیرو مذهب تسنن گشتند!

مذهب شیعه بوسیله عرب بایران آمده

آنها که مذهب شیعه را در قم و اطراف قم پذیرفتند، طائفه عرب اشعری از قبیل «صمیمهون» بودند که در زمان حجاج بن یوسف ثقفی مهاجرت بقم کردند و در آنجا اقامت نمودند. در خراسان نیز بعد از ورود سپاه عرب مذهب شیعه انتشار یافت، سپس کم کم تشیع در سایر شهرهای ایران (۲) شیوع یافت تا آنکه در عصر صفویه که نسب آنها بخاندان پیغمبر میرسید و از نژاد عرب بودند؛ رسمیت یافت و خلاصه آنها که ایرانی خالص بودند، و از روز نخست اسلام آوردند - چون قدرت و حکومت در دست خلفای سنی مذهب بود - اکثراً مذهب تسنن را اختیار کردند.

علاوه بقید سید محسن جبل عاملی در اعیان الشیعه ثابت نموده، آنها که تشیع را در ایران منتشر ساختند و یاری نمودند یا عرب اصیل بودند مانند حضرت امام رضا علیه السلام و طائفه اشعری، و یا نژاد عرب بوده اند مثل سلاطین صفوی. ولی آنها که در ایران تسنن را پذیرفتند و یاری آن برخاستند، ایرانی خالص بودند. مانند بخاری، نسائی، و رازی و غیرهم! پس اگر به پندار مخالفین شیعه: ایرانیان مقاصد سوء و هدفهای ضد اسلامی داشتند!

(۱) ابوحنیفه بزرگترین مجتهد اهل تسنن، غزالی، سیبویه پیشوای علمای نحو، ابو حاتم سیستانی، محمد بن جریر طبری مازندرانی، سرآمد مورخین اهل تسنن و ...

(۲) مانند مازندرانی که در قرن چهارم هجری بوسیله سلاطین علوی رسوخ زیاد پیدا

کرد و قسمت عمده مردم آنجا پیرو مذهب تشیع بودند.

خیلی بهتر و آسان تر می توانستند؛ منظور خود را از راه تسنن عملی سازند، نه از راه تشیع؛ زیرا که گفتیم سبب تشیع در ایران بازگشت به عنصر عربی می کند و باعث تسنن، به عنصر ایرانی صدرصد خالص؛ ولی باین وصف بگفته دکتر طه حسین مخالفین شیعه حقیقت را در گروگن ساخته و مطلب را عکس آنچه بوده، شایع نموده اند!

شیعیان در عصر اول عرب بوده اند

دانشمند بزرگوار شیخ محمد حسین مظفر در «تاریخ شیعه» ص ۸ چاپ نجف مینویسد: حضرت امیر مؤمنان (ع) در زمان خلافت خود سه جنگ نمود: جنگ جمل، جنگ صفین، جنگ نهروان. سپاه آنحضرت همه عرب اصیل عدنانی یا قحطانی بودند. آیا قبائل قریش، اوس، خزرج، مذحج، همدان (۱)؛ طی، تمیم، مصر و امثال آن؛ ایرانی بوده اند؟

آیا فرماندهان سپاه آنحضرت غیر از رؤسای این قبائل بوده اند؟
آیا عامر یاسر، یا هاشم مرقال، و مالک اشتر، صعصعه بن صوحان، برادرش زید بن صوحان، قیس بن سعد، عبدالله بن عباس؛ محمد بن ابی بکر، حجر بن عدی، وعدی بن حاتم طائی ایرانی بوده اند؟

اصحاب امام حسن و امام حسین علیهما السلام امام دوم و سوم شیعیان نیز همه عرب و غالب آنها اصحاب پدرشان امیر مؤمنان بودند.

خاورشناس معروف و فلهوزن، در کتاب خوارج و شیعه، صفحه ۲۴۱ در پاسخ «دوزی» مستشرق دیگر که پنداشته است «تشیع» دین اصلی ایرانیان است، مینویسد: «در اینکه عقائد شیعه با طبیعت ایرانیها ساخته است، چیزی نیست که بتوان در آن تردید کرد. ولی سازگاری تشیع با فطرت ایرانی دلیل این نیست که از عقائد مذهبی قدیم ایران سرچشمه گرفته است. شواهد تاریخی عکس آنرا ثابت می کند. تاریخ میگوید: تشیع با روشنی و صراحت، نخست در میان عرب ظاهر شد، سپس از عرب به ملت های مغلوبه برایت نمود.

و در صفحه ۱۴۸ میگوید: «تمام ساکنان عراق مخصوصاً مردم کوفه در زمان معاویه شیعه بودند. نه تنها عامه مردم بلکه قبائل و رؤسای آنها نیز همگی شیعه بودند.»

گفته این خاورشناس، نظریه مؤلف اعیان الشیعه را که میگوید: «تشیع ایرانیان از ریشه عربی بوده نه ایرانی» تأیید میکند.

خاورشناس دیگر «آدم تر» در کتاب «تمدن اسلام» صفحه ۱۰۲ مینویسد: «مذهب شیعه چنانکه بعضی گمان کرده اند، چیزی نیست که از تکر ایرانی بر خلاف اسلام پدید آمده باشد.

(۱) همدان بکسر میم قبیله ای از مردم یمن بوده است.

تمام جزیره العرب با استثناء شهرهای بزرگ مانند مکه و تهامه و صماء همه شیعه بودند. حتی در بعضی از شهرها مثل عمان و حجر و صعده؛ شیعه اکثریت داشت.

از این گذشته باید دید چگونه و از کجا تشیع بجزیره العرب رسید؟ آیا از ناحیه ایران بود؟ تاریخ که میگوید آنها در آن موقع سنی بودند! بدینگونه هر کس نسبت بوقایع تاریخی دشمنی و رزددچار تناقض میگردد!

گلدتسهر خاورشناس معروف در کتاب «عقیده و دین» صفحه ۲۰۴ مینویسد: «خطا است که بگویند: منشأ تشیع و مراحل پیشرفت آن؛ عکس العمل افکار ملت ایران در برابر اسلام بوده است این توهم از سوغا، تقاده از حوادث تاریخی ناشی شده است. چه میدانیم که قیام علویان از سرزمین عرب بود.»

بشهادت شیخ ابوزهره دانشمند معروف سنی: «دانشمندان عرب نژاد مسلمان بودند، که آئین تشیع را وارد ایران ساختند و ایرانیان را بآن راهتائی کردند. وی در کتاب «امام جعفر صادق»: صفحه ۴۵ می نویسد: «بسیاری از علمای اسلام که شیعه بودند، از ترس خلفای اموی و عباسی فرار نموده و به فارس و خراسان و سایر شهرهای ایران پناه بردند. قبل از سقوط دولت بنی امیه با ورود پیران زید بن علی بن الحسین (ع) بایران، تشیع در شهرهای نامبرده، انتشار عظیمی پیدا کرده بود.»

سهم ایرانیان در تمدن اسلامی

بنا بر این ایرانیان بدست عرب شیعه شدند. و تشیع را از پیش خود برای مخالفت با عرب و اسلام بوجود نیاوردند.

آنچه ایرانیان را بسوی تشیع کشید اسلام صحیح و خالص و تعالیم خرد پسند و جهانی آن بود که همه را در آئین تشیع و رفتار ائمه اطهار (ع) میدیدند، و دلباخته آن میشدند، ایرانیان از زمان صفویه تا امروز بهترین مدافع شیعه و مذهب تشیع بوده اند.

سراییکه مخالفین شیعه علیه ایرانیان برانگیخته شده اند، نیز همین معنی بوده است. یا اینکه اگر ایرانیان نبودند؛ مسلمانان این همه دانشمندان بزرگ را نداشتند که ما بوجود آنها بر شرق و غرب افخار کنیم، و ملل اسلامی امروز صاحب کتابخانه های مشتمل بر هزاران کتاب در علوم گوناگون نبودند.

هیچ ملتی را سراغ نداریم که مانند ایرانیان با اسلام و لغت قرآن عربی خدمت کرده باشد.

اگر کتابخانه های اسلامی و عربی را احصا کنیم، خواهیم دید که سهم

ایرانیان از مجموع دانشمندان سایر ملل اسلامی بیشتر است!